

A Study of the Approach of Qajar-Era Historians to Ashura

Zahra Ruhollahi Amiri*

Zaynab Sharifi Shukuh**

(Received on: 2019-04-29; Accepted on: 2019-10-05)

Abstract

Ashura was considered by authors throughout the history as an identity element for the Shi'a. During the Qajar period, more and more attention was devoted to Ashura given the dominant denominational tendencies of the time. Assuming that writings in each society reflect its cultural condition, this paper deploys a text-based approach and an analytic-descriptive method in order to answer the following question: what was the approach of Qajar-era historians to Ashura, and why did it arise? The research concludes that historians of the period were influenced by the dominant context of their society, particularly early decades of the Qajar period and Iran-Russia wars, as a result of which they adopted an epic approach. In later decades, because of their sympathy with the government and public beliefs, many of their reports highlighted thoughtless emotions, considering apparent order and glory and a predetermined destinies in Ashura and elsewhere.

Keywords: Qajar Period, Qajar-era historians, approaches of Qajar-era historians, Ashura.

* Assistant professor, Department of History, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (corresponding author): z.rooholahiamiri@bou.ac.ir.

** PhD student, Islamic history, Baqir al-Olum University, Qom, Iran: z.sharifi.shokooh@gmail.com.

رویکردشناسی مورخان عصر قاجار به عاشورا

زهرا روح‌الهی امیری*

زینب شریفی شکوه**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۳]

چکیده

عاشورا به عنوان عنصر هویت‌ساز شیعه در طول تاریخ در کانون توجه نویسندگان بوده است؛ در عصر قاجار، با توجه به گرایش‌های مذهبی حاکم بر این دوره بیش از گذشته به آن اهتمام شد. این پژوهش با این پیش‌فرض که متون نوشته‌شده در هر جامعه‌ای انعکاس‌دهنده وضعیت فرهنگی آن جامعه است، با رویکردی متن‌پژوهانه و روشی توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که: رویکرد مورخان این دوره به عاشورا چه بوده و به چه دلیل به وجود آمده است؟ نتیجه این پژوهش آن است که مورخان این دوره متأثر از فضای حاکم بر جامعه، به‌ویژه دهه‌های ابتدایی عصر قاجار و جنگ‌های ایران و روس، رویکردی حماسی در پیش گرفتند و در دهه‌های بعد به سبب همسویی با حاکمیت و باور عمومی، بسیاری از گزارش‌ها به پُررنگ‌کردن عواطف و احساسات اختصاص داشت و با نگاهی به‌دور از تفکر و مملو از توجه به نظم و شکوه ظاهری، نوعی جبر محتوم که در همه امور از جمله واقعه عاشورا وجود دارد، بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: دوره قاجار، مورخان دوره قاجار، رویکرد مورخان دوره قاجار، عاشورا.

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول). z.rooholahiamiri@bou.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. z.sharifi.shokooh@gmail.com

مقدمه

تاریخ‌نویسی عصر قاجار بر اساس الگوی سنتی به‌جامانده از گذشته تکوین یافت و بر اثر تحولات فکری و فرهنگی به تدریج دچار تغییر شد. ترجمه برخی آثار اروپایی در موضوعات گوناگون، به‌ویژه آثار تاریخی، تحت تأثیر چند عامل آغاز شد؛ از جمله، تداوم و گسترش تفکر عقلانی در میان فرهیختگان ایران و استقرار مؤسسه‌های تمدنی و فرهنگی مانند دارالترجمه دربار که در اواخر عصر ناصری تأسیس شد. در تاریخ‌نگاری این عصر، نه سنجش تاریخی در کار بود و نه نقد و ارزشیابی منابع و نتیجه‌گیری تاریخی، بلکه وقایع بدون بیان علت و معلول گزارش می‌شد. علاوه بر آن، از ذکر حقایق بسیاری، خواه از راه مصلحت‌اندیشی، خواه ترس بر اثر نایمنی‌های اجتماعی و خواه از جهت درک‌نکردن معنای وقایع، چشم می‌پوشیدند.

آنچه ضرورت این پژوهش را نمایان می‌کند فقدان تحقیقاتی است که مستقلاً به رویکرد مورخان آن عصر در زمینه عاشورا پرداخته باشد. همچنین، با توجه به جایگاه عاشورا در فرهنگ عمومی مردم، چگونگی انعکاس این آموزه در متون تاریخی عصر قاجار مهم است. نوع رویکرد تاریخ‌نگاران به عنوان بخشی از جامعه قاجار به عاشورا به ما این امکان را می‌دهد که تحرکات اجتماعی را در بستر ظهور و بروز این آموزه ارزیابی کنیم. اینکه در دوره‌هایی، از عاشورا به عنوان عنصر شورآفرین در جامعه، یا ابزاری برای برانگیختن احساسات و عواطف استفاده می‌شود نشان‌دهنده وجود رویکردهای متفاوت به این موضوع در میان جامعه است.

هرچند مقالات مختلفی درباره عاشورا در عصر قاجار نوشته شده (نک: مفتخری و رنجبر، ۱۳۸۷؛ رنجبر، ۱۳۸۸؛ رمضان‌نرگسی، ۱۳۸۵؛ بینشی‌فر، ۱۳۹۴) و در بسیاری از مقالات و کتاب‌ها نیز در ضمن مطالب مربوط به جامعه ایران در دوره قاجار به شیوه عزاداری در این دوره نیز پرداخته‌اند، اما این آثار، اغلب، مباحث مربوط به تأثیر این آموزه را در فرهنگ عمومی عصر قاجار می‌کاود و ناظر به جامعه ایران در عهد قاجار است نه مورخان. لذا این پژوهش در صدد است، با تکیه بر متون تاریخی این دوره، رویکرد

مورخان به واقعه عاشورا و علت بروز این رویکردها در بستر زمانی عصر قاجار را بررسی کند.

۱. توجه به عاشورا در دوره قاجار

در عصر قاجار اقامه عزا در ایام شهادت امام حسین (ع) نهادینه شد، و به صورت مراسمی عمومی و مردمی درآمد، به گونه‌ای که در تهران و سایر شهرها، در این ایام، عزاداری و برپایی مراسم در حسینیه‌ها و تکایا به صورت فریضه‌ای مذهبی درآمد بود. نکته مهم حضور پُررنگ مردم در برپایی این مراسم و تلاش ایشان برای هر چه باشکوه‌تر برگزار شدن آن است. گزارش سفرنامه‌نویسان از مشارکت همه اقشار مردم در عزاداری حکایت دارد. جان ویشارد معتقد است تمام اقشار مردم در عزاداری‌ها رفتاری یکسان از خود نشان می‌دهند. او این رفتار مشترک را با برشمردن برخی مسائل به خواننده می‌شناساند، مانند پوشیدن لباس مشکی، نوحه‌خوانی کودکان در خیابان، نصب پرچم بر درب خانه‌ها که به معنای برگزاری مراسم عزاداری در این خانه بوده است. در این مجالس قرائت قرآن، موعظه و سفارش به حصار، علاوه بر مراسم روضه‌خوانی، برگزار می‌شد (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۶۲-۱۶۳).

اهتمام مردم به برگزاری مراسم به طبقه خاصی اختصاص ندارد، و تمامی اقشار به آن اهتمام داشتند (شیخ‌رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۱۸۷/۱). افراد عادی و صاحب‌منصب هر کدام به فراخور حال خود یا با شرکت در مراسم یا برگزاری مفصل مجلس عزاداری در خانه‌های بزرگ، هیئت‌ها یا تکیه‌های مهم شهر ارادت و پای‌بندی خود را به این آیین مذهبی به نمایش می‌گذاشتند (هدایت، ۱۳۴۴: ۸۷)؛ زیرا برگزاری مراسم عزاداری را اسباب نجات دنیا و آخرت می‌دانستند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۲۶۴). گرتروود بل، که در زمان ناصرالدین‌شاه به ایران سفر کرده بود، درباره نحوه حضور زنان در عزاداری‌ها می‌نویسد:

روی سکو، نوحه‌خوانی با لباس بلند و عمامه سفید نشسته بود و شرح شهادت را با آهنگ کشیده و حزن‌انگیزی می‌خواند. زیر پای او، زمین پوشیده از زنانی

بود که چادرهای سیاهشان را به طور مرتبی به دور خود جمع کرده و با سرهای پوشیده نشسته بودند، و روبند کتان سفید جلو صورتشان تا پایین روی دامنشان آویزان بود ... نوحه‌خوان به ذکر مصیبت ادامه می‌داد، و زنها در تقلائی رنج‌آلودی خود را به پس و پیش تکان می‌دادند (بل، ۱۳۶۳: ۴۴؛ شیخ‌رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۱۹۹).

یکی دیگر از نکات در خور توجه در عزاداری‌های دوره قاجار، عمومیت یافتن رسم تیغ‌زنی و قمه‌زنی است؛ رسمی که البته، پیش از آن هم مسبوق به سابقه‌ای چندین ساله بود، اما پس از دوره‌ای فترت، در این مقطع زمانی رواج بی‌سابقه‌ای یافت. عبدالله مستوفی مسبب اصلی احیای این رسم را ملافاضل دربندی می‌داند:

تیغ‌زدن در روز عاشورا از کارهایی است که این آخوند [فاضل دربندی] در عزاداری وارد یا لامحاله آن را عمومی کرده و فعل حرام را موجب ثواب پنداشته است و تُرک‌های عوام هم این عزاداری را پذیرفته‌اند و این خلاف شرع بین، جزو عزاداری و کار ثواب و انمود شده است. چنان‌که ذکر «شاخسین و اخسین» و «حیدر صفدر» که قبل از تیغ‌زنی معمولاً می‌گفتند، ذکر ترکی [بوده] و همیشه ترک‌های معتقد بوده‌اند که به این عزاداری می‌پرداخته‌اند و اهل عراق هم اگر در این عزاداری شرکتی می‌کرده‌اند، از حیث نفرات، بی‌اهمیت بوده‌اند (مستوفی، ۱۳۸۶: ۴۰۷).

طبق این گزارش‌ها، این شیوه عزاداری تا حدود زیادی در اثر رفتارهای احساسی برخاسته از روح حاکم بر کلیت اجتماع و روش جامعه آن روز در ابراز غم و اندوه برآمده از اعتقادات مذهبی مردم است (کورف، ۱۳۷۲: ۲۴۱-۲۴۲)؛ در سفرنامه‌های جهانگردان و دیگر خارجیانی که در این عصر به ایران آمده و شاهد عزاداری ماه محرم بوده‌اند، به‌وفور توصیفات و گزارش‌هایی از مراسم قمه‌زنی آمده است. این به دلیل جذابیت حیرت‌آور این رسم بوده که نمی‌توانستند از ذکر آن در سفرنامه‌هایشان چشم‌پوشی کنند. البته این گزارش‌ها اغلب با قضاوت‌های منفی نویسندگان آنها و طعن

و تمسخری همراه است که بر ایرانیان روا می‌داشتند (فوریه، ۱۳۲۶: ۲۸۹-۲۹۰؛ بنجامن، ۱۳۶۳: ۴۳۵-۴۳۷).

۲. رویکرد مورخان عصر قاجار به عاشورا

نهادینه شدن آداب و رسوم مذهبی در طول زمان اتفاق می‌افتد. بنابراین، غیرممکن است زندگی روزمره متدینان بدون راه‌یافتن شعائر و اعمال مذهبی به عمق جامعه باشد. از جمله این شعائر مذهبی می‌توان به عاشورا، به عنوان عنصر هویت‌ساز آموزه‌های شیعی، اشاره کرد؛ نقش عاشورا در میان شعائر مذهبی به اندازه‌ای مهم است که وجه تمایز میان شیعه و غیرشیعه محسوب می‌شود. بر این اساس، دور از ذهن نیست اگر مورخان، به عنوان بخشی از جامعه که گزارشگر رویدادهای آن نیز هستند، در نوشته‌هایشان به این رویداد توجه کرده باشند. بنابراین، بازخوانی رویکرد مورخان به این واقعه، امکان تحلیل اوضاع و احوال اجتماعی آن روز را برای پژوهشگران فراهم می‌کند.

در نگاهی کلی، رویکردهایی که در میان مورخان دوره قاجار به واقعه عاشورا وجود داشته عبارت است از: رویکرد حماسی و نگاه قهرمانانه به نقش آفرینان حادثه عاشورا. بر این اساس مورخ، امام حسین (ع) و یارانش را انسان‌های فوق‌العاده‌ای ترسیم می‌کند که برای هدفی عالی و مقدس، مانند برقرای عدالت در جامعه، به پا خاستند و قیام کردند. آنچه در این رویکرد به آن توجه می‌شود شجاعت و ایستادگی در مسیر نیل به مقصود است. از سوی دیگر، رویکرد احساسی و حزن‌انگیز به واقعه عاشورا است. در این رویکرد کوشیده‌اند از ابتدا تا انتها، به ویژه اتفاقات روز عاشورا، را به گونه‌ای روایت کنند که عواطف و احساسات مخاطب برانگیخته، و اشکش جاری شود. رویکرد دیگری که در میان مورخان عصر قاجار رایج بوده، رویکرد جبرگرایانه به حوادث روی داده در روز عاشورا است. بر این اساس، گریزی از این حادثه نبود و لاجرم باید به این کیفیت و با این ویژگی‌ها به وقوع می‌پیوست. رویکرد دیگری نیز در میان گزارش‌های مورخان قابل ردگیری است؛ این رویکرد که برخاسته از فضای حاکم بر جامعه آن روز است، نگاهی مملو از توجه به ظواهر مراسم و

تلاش برای بیان تمامی جزئیات دارد تا شکوه و عظمت عزاداری در این دوره را منعکس کند.

۲. ۱. رویکرد حماسی

در سال‌های اولیه حکومت قاجار که کشور درگیر جنگ با روسیه شده بود (۱۲۱۸-۱۲۲۸ و ۱۲۴۱-۱۲۴۳ ه.ق.) مورخان با توجه به وضعیت پیش آمده، به گزارش‌هایی از واقعه عاشورا توجه بیشتری کردند که سبب رواج روحیه شجاعت و سلحشوری در جامعه آن روز شد، تا در موقعیت مناسب بهره‌برداری در خور، از این رویکرد صورت گیرد. علما در مجالس عزاداری آن سال‌ها بر فراز منبر مردم را به جهاد دعوت می‌کردند و می‌کوشیدند برای شرکت در صحنه جهاد و شهادت به آمادگی روحی لازم دست یابند. در این سال‌ها اصلی‌ترین مورخی که گزارش‌های منحصر به فردی از وقایع داده عبدالرزاق بیک دنبلی (متوفای ۱۲۴۳ ه.ق.) است؛ سایر مورخان وقایع را از طریق او گزارش کرده‌اند. وی به تناسب، گزارش‌هایی را که از جنگ و فضای حاکم بر ایران در آن دوره حکایت دارد در کانون توجه قرار داده است:

فضلا و علمای آذربایجان در مساجد و منابر رفته بنای وعظ نهادند و سلوک آن طایفه با مسلمانان به آواز بلند بر فراز منابر گفتند و گوهرهای وعظ به مثقب طلاقت لسان و فصاحت بیان سفتند و مستمعان را متأثر و قلوب غافلان را منزجر ساختند. و سوای جماعت سرباز و نوکر موجب‌خوار، جمعی کثیر را غیرت اسلام دامن گیر گشته، داوطلب جهاد شدند و با اسلحه و اسباب حرب از سان گذشته، منتظر محاربت و مجاهدت گشتند (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

مردم نیز به دلیل شور و هیجانی که به واسطه این سخنرانی‌ها برایشان به وجود آمده بود خود را لشکر دین می‌دانستند و با شور و هیجان بیشتری در میدان جنگ حاضر می‌شدند:

چون ماه محرم سال هزار و دویست و چهل و دو، داخل شد برای تعزیه جناب سیدالشهداء علیه‌السلام تکایا بسته، علمای اعلام و مجتهدین ذوی‌الاحترام، مثل

جناب آخوند حاجی ملامحمدنراقی و جناب آخوند ملامحمددامغانی، بعد از ذکر مصیبت حضرت سیدالشهداء لشکریان منصور را به جهاد ترغیب فرموده، شوری در میان لشکر منصور می‌انداختند. و دسته‌دسته و فوج‌فوج لشکریان اسلام از مجلس وعظ برخاسته به خدمت نایب‌السلطنه [عباس میرزا] آمده اظهار شوق و تعهد یورش و بی‌باکی از کشته‌شدن و کشتن می‌کردند (جهانگیرمیرزا، ۱۳۲۷: ۲۹-۳۰).

همچنین، مورخانی نظیر میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی^۱ (متوفای ۱۲۶۶ ه.ق.) در متون خود با استفاده هنرمندانه از واقعه عاشورا و تشبیه وقایع و جریان‌های صحنه‌های نبرد به حوادث عاشورا کوشیدند انگیزه‌های شهادت‌طلبانه را تقویت کنند. خاوری آنگاه که در گزارش‌هایش حادثه کشته‌شدن شمار فراوانی از نیروهای نظامی ایران در مقابله با لشکر روس را گزارش می‌کند، آن را به روز عاشورا و کشته‌ها را به شهدای کربلا تشبیه می‌کند تا بتواند از آن بیشترین بهره‌برداری را برای تحریک افکار عمومی و به‌دست آوردن پشتیبانی ملی برآمده از دل مذهب داشته باشد:

علی‌الصباح که سر بریده مهر از طشت خونین افق جلوه نمود، معلوم گردید که کشتی جان احدی از فرقه اسلام در آن شب ظلام از آن بحر خونخوار به سلامت نگذشته و عرصه قلعه لنکران به مناسبت روز عاشورا چون دشت کربلا از خون شهیدان دین، رنگین گشته است (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲/۳۹۴).

رویکرد حماسی و قهرمانانه درباره وقایع عاشورا در دوره‌های پس از جنگ‌های ایران و روسیه، به‌ویژه در دوره ناصری، رو به افول گذاشت. مورخان و مقتل‌نویسان در این دوره از این رویکرد برای باورپذیری سایر گزارش‌هایشان استفاده می‌کردند. آنها با گزارش‌های غیرواقعی از چگونگی به میدان رفتن و مبارزه تن‌به‌تن امام و یارانشان (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۶۳: ۲/۲۶۶، ۳۰۷، ۳۲۷، ۳۳۱ و ۳۴۳؛ دربندی شیروانی، بی‌تا: ۴۱۷) و اشاره به شجاعت خارق‌العاده امام (معتمدالدوله، ۱۳۷۷: ۴۵۸/۲)^۲ کوشیده‌اند گزارش‌های مربوط به تعداد زخم‌هایی را که بر پیکر امام وارد آمده است (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۶۳: ۲/۳۸۷-۳۹۲؛

دربندی شیروانی، بی تا: ۴۱۳) موجه جلوه دهند. دربندی شیروانی در مقتل خود ادعاهایی درباره نحوه مبارزه‌ها و تعداد افرادی که به دست امام و یارانش کشته شده‌اند، بیان کرده و برای توجیهش نیز مدعی شده است که روز عاشورا ۷۲ ساعت به طول انجامیده است (دربندی شیروانی، ۱۳۸۸: ۱۹۶). یکی از دلایلی که سبب کثرت گزارش‌هایی با رویکرد حماسی در نوشته‌های سپهر و ملادربندی شده باورپذیر شدن گزارش‌های احساسی است. زیرا از یک سو وقایع دلخراشی در عاشورا روی داده و از سوی دیگر، گزارش‌های درستی درباره شجاعت و دلاوری امام حسین (ع) و خاندانش وجود دارد. بنابراین، وجود رویکرد قهرمانانه سبب می‌شود جنبه‌های منفی رویکرد احساسی از آن تأثیر بگیرد و به گونه‌ای متعادل شود.

کتاب *مقام زُنخار و صمصام بتار*^۳ نوشته فرهاد میرزا معتمدالدوله (متوفای ۱۳۰۵ ه.ق.)، برخلاف آنچه در این دوره رایج است، به دلایل قیام اباعبدالله نیز پرداخته است؛ هرچند این کتاب صرفاً نماینده رویکرد حماسی نیست و روایت‌های برآمده از عاطفه و احساس نیز در آن فراوان است.^۴ بخشی از گزارش‌هایی که به رویکرد حماسی در واقعه عاشورا می‌پردازد بیان ظلم‌ستیزی امام حسین (ع) و قیام ایشان در برابر منکرها است: «امام آن است که عادل و حاکم به کتاب خدا و متدین به دین حق باشد و جان و تن خویش برای خدا باز دارد» (معتمدالدوله، ۱۳۷۷: ۱/۲۷۷). نیز می‌گوید:

مسلمانی را باید وداع نمود که از میان برفت، و امت حضرت خیرالانام به امیری چون یزید ابتلا یافتند ... به طلب اصلاح در میان امت جد بزرگوار آهنگ خروج کردم که امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیرت جد خود احمد مختار و پدر خود حیدر کرار رفتار نمایم (همان: ۲۶۳-۲۶۷).^۵

این‌گونه گزارش‌ها که در هنگامه جنگ غیرت دینی مردم را تحریک می‌کرد، پس از امضای صلح‌نامه‌ها و برقراری آرامش و رفاه‌زدگی جامعه صرفاً برای پررنگ شدن رویدادهای عاطفی عاشورا محل توجه قرار گرفت.

۲.۲. رویکرد عاطفی

با توجه به اینکه احساس و عاطفه یکی از عناصر بنیادین وجودی انسان‌ها است، یکی از مهم‌ترین ابعاد واقعه عاشورا بعد سوگواری برآمده از اندوه ناشی از عظمت مصیبت این رویداد است. با نگارش *روضه الشهداء* در قرن دهم هجری رویکرد احساسی درباره عاشورا و وقایع آن رو به گسترش گذاشت، و در مدت چهار قرن بعد از آن کتاب‌های متعددی از جمله *متنخب طریحی*، *تظلم الزهراء قزوینی*، *اکسیر العبادات* فاضل دربندی و *ناسخ التواریخ در احوالات سیدالشهداء علیه السلام* لسان‌الملک سپهر و بسیاری کتاب‌های دیگر نگاشته شد و به این رویکرد دامن زدند. بی‌توجهی این نویسندگان به ریشه‌ها و ابعاد سیاسی حادثه، همچنین بی‌توجهی به انگیزه و فلسفه قیام امام حسین (ع) اصلی‌ترین شاخصه این کتاب‌ها است. این بُعد از حادثه عاشورا، به‌ویژه در دوره ناصری، به صورت افراطی در کانون توجه مجالس روضه‌خوانی و عزاداری امام حسین (ع) قرار گرفت؛ و در نهایت به متون تاریخی، به عنوان گزارش‌هایی از جامعه، فرهنگ و تمدن این عصر راه یافت.

اصلی‌ترین نمایندگان این رویکرد محمدتقی لسان‌الملک سپهر^۶ (متوفای ۱۲۹۷ ه.ق.) و آخوند ملاآقا دربندی شیروانی (متوفای ۱۲۸۵-۱۲۸۶ ه.ق.) هستند. حجم بسیاری از گزارش‌های ایشان راجع به پررنگ کردن نقش عواطف و احساسات درباره وقایع عاشورا است. اما به صورت قاطع نمی‌توان ادعا کرد که سایر مورخان و مقتل‌نویسان در این دوره به این رویکرد بی‌توجه بوده و از این شیوه در گزارش‌هایشان بهره نبرده‌اند. در این دوره، مورخ در بیان حوادث تأکید بسیار بر بیان رویدادهایی دارد که تأثیر بیشتری بر احساسات و عواطف بر جای بگذارد. گزارش از عکس‌العمل طفل شیرخوار در هنگام شنیدن ندای «هل من معین» امام (ع) که «از شنیدن این ندا صدای گریه طفل بلند شد، و خود را از گهواره به زمین انداخت» (دربندی شیروانی، ۱۳۹۴: ۵۶۳-۵۶۵)، یا داستان قیام زنی به نام *دُرّة‌الصف* در شهر حلب با هدف خون‌خواهی امام حسین (ع) هنگام بردن کاروان اسرا به شام (دربندی شیروانی، بی‌تا: ۴۹۱-۴۹۲) نیز از این دست روایت‌ها است. آنچه در این گزارش‌ها بر آن تأکید شده، مظلومیت امام حسین

(ع) است که در اوج غربت و بی‌کسی به دست سپاهیان یزید به شهادت رسید. صفت «مظلومیت» در جای‌جای نوشته‌های مورخان این دوره بسیار به چشم می‌خورد، که نمایانگر رویکرد مورخان این دوره است: «امام مظلوم را بازدار تا بیعت نماید. ... ولید به مروان گفت وای بر تو، دیگری را توبیخ نمای؛ بدان کار مرا اشاره می‌کنی که هلاک دین من در آن است؟ بر خویشتن نمی‌پسندم که این سید مظلوم را به قتل آرم» (معمدالدوله، ۱۳۷۷: ۲۵۹/۱-۲۶۰).

از دیگر گزارش‌هایی که احساسات را به غلیان درمی‌آورد وداع همسر وهب با وی در روز عاشورا است (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۶۳: ۲۷۰/۲). برانگیختن احساسات مخاطب اصلی‌ترین رویکرد مورخان و مقتل‌نویسان این دوره است و تا جایی ادامه می‌یابد که مدعی‌اند: «شهادت امام علیه‌السلام برای نجات دوستداران اهل بیت از آتش دوزخ است» (دربندی شیروانی، بی‌تا: ۳۳).^۸ یا نویسنده دیگری نوشته است: «آن جناب خود را فدای راه خدا نمود به جهت هدایت گمراهان و نجات عاصیان» (شوشتری، ۱۳۸۱: ۱۳۱). این‌گونه گزارش‌ها سبب تحریک احساسات و جاری‌کردن اشک حسرت و ندامت و گاه تأثیر در تربیت نفوس مخاطبان می‌شد.

از سوی دیگر، بحث تشنگی و دسترسی نداشتن امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان به آب برای به میدان کشاندن احساسات بسیار محل توجه مورخان است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۸۲/۱)؛ دلیل اشاره مکرر ایشان به تشنگی نیز برانگیختن احساس است: «حتی اینکه چاه کند به دست مبارک و سؤال نمود از اشرار به رسول خود، و به زبان مبارک تا اینکه خواهش نمود قطره‌ای از آن را برای طفلش بدهند» (شوشتری، ۱۳۸۱: ۱۱۹). در جای دیگر ادعا شده است که حضرت از سپاه عمر سعد برای خود تقاضای آب کردند: «اسقونی قطرة من الماء فقد تفقت کبدی من الظماء» (همان: ۱۵۸). مخاطب، این حس را طبیعتاً درک می‌کند و برانگیختنش به تأثیرگذاری کمک فراوانی می‌کند.

آنچه مورخان در گزارش‌ها به آن اهتمام داشته‌اند رفتارهای احساسی و عاطفی مردم، بزرگان و اشراف است که در قالب عزاداری این ایام گزارش شده است (فسایی، ۱۳۸۲: ۶۷۰/۱). سید صالح شهرستانی راوی گزارشی است که در نوع خود منحصر به

فرد، و از سویی نمایانگر اهمیت برانگیختن احساسات مخاطب برای روضه‌خوان است، تا جایی که هر مهملی را به زبان می‌آورد:

در آن هنگام که [ناصرالدین‌شاه] قبر امام حسین علیه‌السلام را زیارت می‌کرد و در کنار ضریح ایستاده بود، یکی از خطبای قبر حسینی در پیش روی ناصرالدین‌شاه خطبه مؤثری از حادثه دردناک امام حسین ایراد کرد و در اثنای سخنانش گفت: «روز عاشورا امام حسین علیه‌السلام در سخت‌ترین ساعاتش فرمود: هل من ناصر ینصرنی؟». بعد، آن خطیب با ناله گفت: «ناصر تو آمد و اینک در خدمت تو ایستاده تا تو را یاری کند». با گفتن این جمله همه مردم با گریه، ضجه زدند و گریه و ناله ناصرالدین‌شاه از همه بیشتر بود و او تاج از سرش برداشت و با کمال حرارت و از شدت تأثر [آن را] جلوی ضریح انداخت (شهرستانی، ۱۳۸۲: ۶۰/۲-۶۱).

شدت اهتمام ناصرالدین‌شاه در گزارش‌های متعدد در خور تأمل است؛ اهمتامی که حاکی از توجه وی به ایام عزاداری و رعایت شئون است (وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۷: ۴۶۹/۱؛ پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۶).

۲.۳. رویکرد جبرگرایانه

«جبر» به معنای فقدان آزادی و تسلط قدرتی نامرئی بر اعمال انسان است. رسوخ این اندیشه در افکار سبب رکود و انحطاط می‌شود. با این بینش حتی اگر شخصی مانند یزید حاکم شود چون خواست خدا است، نباید با او مقابله کرد؛ یا اگر امام حسین (ع) در مسیری قدم برمی‌دارد که نتیجه‌اش جز شهادت نیست، اراده خدا است.^۹ این رویکرد در دوره قاجار در نوشته‌های شیخ جعفر شوشتی (متوفای ۱۳۰۳ ه.ق.)، نویسنده کتاب *الخصائص الحسينية*^{۱۰} به خوبی دیده می‌شود. ملاآقا دربندی نیز به این رویکرد توجه نشان داده و در کتابش گزارش‌هایی آورده است.

در گزارش‌های مورخانی با این نگرش، به هدف قیام ابا عبدالله یا ترسیم فضای سیاسی اجتماعی که به قیام ابا عبدالله انجامید اشاره‌ای نمی‌شود؛ تا جایی که شهادت را

نوعی عمل به تکلیفی تلقی می‌کنند که خدا وضع کرده است:

از برای پیامبر احکام خاصه بود از تکلیف وضعیه، و از برای هر یک از ائمه نیز حکم مخصوصی بود در مقام امامت و سلوک با رعیت که در آن صحیفه مُهرشده ثبت بود، و هر یک عمل به تکلیف خود نمودند و اعتراض بر ایشان نبوده، همچنین آن جناب نیز مأمور بود به همین قسم که عمل نمود (شوشتری، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

بنابراین، می‌توان این رویکرد را در گزارش‌ها نوعی تسلیم و رضایت در برابر مقدرات الاهی توصیف کرد. از سوی دیگر، مورخان، این رویکرد را در منابع متعدد برای پررنگ‌تر شدن جنبه‌های احساسی استفاده کرده‌اند؛ «تدبیر نیکو دانم و حقیقت از من پوشیده نیست و لیکن بر قضای الاهی غالب نتوان آمد» (معمدالدوله، ۱۳۷۷: ۳۴۹/۱)؛ یا در جای دیگر در بیان نامه‌ای از پیامبر اکرم (ص) خطاب به ایشان این امر را محتوم دانسته و محتوای نامه را این‌گونه گزارش کرده‌اند: «حضرت سیدالشهداء، پس گشود مهری را، پس دید نوشته است بیرون رو با اصحاب خود به سوی شهادت، بفروش نفس خود را از برای خدا، پس چنین نمود آن سرور» (شوشتری، ۱۳۸۱: ۱۱۲). این دسته از مورخان سبب خلقت را اقامه عزای سیدالشهداء (ع) معرفی کرده‌اند؛ چراکه شهادت حضرت را امری محتوم پنداشته و در نتیجه خلقت جهان برای برپایی مراسم عزای سیدالشهداء است: «ان الدنيا و ما فيها خلق لأجل اقامة عزای الحسين (ع)» (ملاآقا دربندی، بی‌تا: ۵). ملاآقا دربندی این سخنش را این‌گونه شرح می‌دهد:

خدای عزیز و جلیل این خیمه بلند و سقف محفوظ، یعنی آسمان‌های افراشته‌شده و زمین‌های گسترده را برای سرور جوانان جنت، سرای اندوه و خانه غصه، آفریده است. به عبارت دیگر، پیش از آنکه ایشان متولد گردد و حتی پس از تولدش تا روز قیامت، این جهان را سرای عزاداری حسین قرار داده است. و از مخلوقات خدای مهربان هر چه را که ببینی همگی شایسته و اسباب اموری هستند که متعلق به برپاکردن عزاداری در این دنیای حسینی می‌باشند که در زمین و زمان برقرار و گسترده شده‌اند (همان: ۱۱۵).

رویکرد مورخان در بیان گزارش‌هایی که صرفاً عواطف را برمی‌انگیزد و مصیبت‌ها و بلاهایی را که بر امام و یارانش رفته بود پررنگ می‌کرد، همچنین بی‌توجهی به دلایل و عواملی که سبب بروز این فاجعه شده‌اند، این اندیشه را رواج می‌داد که شهادت امام (ع) و اصحاب ایشان امری حتمی و از سوی خداوند بوده است. از این رو، گرایش به سکون و تلاش نکردن در جهت تغییر اوضاع و احوال زندگی فردی و اجتماعی در میان مردم با این تلقی که خواست خداوند بوده و اگر خود او بخواهد اوضاع و احوال تغییر خواهد کرد، رواج یافت و باعث شد هیچ تزاممی با حاکمان ایجاد نشود و تقابلی میان مردم و حاکمیت به وجود نیاید. به همین دلیل، حکومت و درباریان از عزاداری‌ها حمایت می‌کردند و حتی خود از بانیان این‌گونه مجالس نیز بودند (مستوفی، ۱۳۸۶: ۴۰۸/۱؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۷۸۲/۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۰۳۰/۳).

۲.۴. رویکرد ظاهرینانه

«ظاهرینی» یعنی ظاهر را ببیند و از توجه به باطن بازماند. در اواخر دوره قاجار، به‌ویژه از زمان آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه و با توجه به رفاهی که در میان درباریان حاکم شده بود، تمامی امور از جمله مراسم مذهبی با تشریفات و تجملات برگزار می‌شد. بنابراین، گزارش‌های مورخان از مجالس عزاداری در دوره قاجار نیز علاوه بر آنکه اهتمام اشراف را به برگزاری این‌گونه مجالس نشان می‌دهد، مبین آن است که این محفل‌ها بیش از آنکه محلی برای تنبّه و ارشاد مردم باشد، به مسابقه تجمل‌گرایی و خودنمایی تبدیل شده بود؛ و هر کس برای آنکه پای‌بندی بیشتر خود را به مذهب نشان دهد، و در میان مردم از محبوبیت بیشتری برخوردار گردد، برای برگزاری هر چه بهتر و باشکوه‌تر آن نهایت تلاشش را به کار می‌برد (شیخ‌رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۲۶۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳۳ و ۵۱۶-۵۱۸؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۸: ۱۰۸).

عموماً این‌گونه گزارش‌ها را در روزنامه‌خاطرات‌ها یا متون نگاشته‌شده درباره زندگی اجتماعی آن عصر می‌توان یافت؛ شرح زندگانی من از عبدالله مستوفی (متوفای

۱۳۶۸ ه.ق.) و *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه* نوشته محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (متوفای ۱۳۱۳ ه.ق.) نمونه‌های خوبی از این‌گونه نوشته‌ها به شمار می‌روند. در گزارش‌های مورخان از مراسم عاشورا، آنچه به آن اهتمام داشته‌اند، و نمونه دقیقی از آنچه برگزار می‌شود، بلندکردن صدای گریه عزاداران است. بنا بر تلقی عمومی، هر روضه‌خوانی که توانست گریه بلندتری از جمعیت بگیرد کارش بهتر بود و معروف‌تر می‌شد (مستوفی، ۱۳۸۶: ۴۰۸/۱؛ میرزاحسین خان، ۱۳۸۲: ۱۸۷). آنچه در این گزارش‌ها به صراحت مطرح شده فقدان موعظه و اندرز در این مجالس است. بنا بر آنچه از گزارش مورخان عصر قاجار به دست می‌آید، فضای حاکم بر جامعه آن روز، نگاهی سرشار از توجه به ظاهر، بدون تعمق و فکر و مملو از توجه به نظم و ترتیب و شکوه ظاهری است (مستوفی، ۱۳۸۶: ۴۰۸/۱)؛ در عزاداری‌های عاشورای این دوره و به دنبال توجه هر چه بیشتر به ظاهر، توجه کمتری به محتوا اتفاق افتاده است. این رویکرد مورخان راجع به بیان گزارش‌ها، به دلیل تقابل نداشتن با باورها و اعتقادات مردم یا دست‌کم تساهل در مواجهه با این مسئله، با اقبال مواجه شده و سبب همراهی با آن می‌شود. بر این اساس، عزاداری در دوره قاجار پوسته‌ای تهی از مغز شده بود که نتیجه‌اش انفعال و سکون در میان اجتماع آن روز است. تقریباً در سرتاسر دوره قاجار، جز ایام جنگ‌های ایران و روس، این انفعال دیده می‌شود.

۳. سیر تحول در رویکردهای مورخان

مورخان در دوره‌های مختلف عصر قاجار و با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، در گزارش‌هایشان به رویکردی بیشتر توجه می‌کردند که در میان طبقه حاکم و جامعه بیشترین اقبال به آن وجود داشت. دلیل این عملکرد را می‌توان وابستگی ایشان به دربار از یک سو، و توجه به مقبولیت متون نگاشته‌شده در میان مردم عوام، از سوی دیگر، دانست.

آغاز سلطنت قاجار (۱۱۷۳ ه.ش.) تا پایان جنگ‌های ایران و روسیه (۱۳۰۴ ه.ش.) را می‌توان دوره توجه به رویکرد حماسی و تلاش برای ایجاد شور و انگیزه جهاد و

مبارزه با دشمن خارجی دانست. در این دوره فضای جامعه ایران بسیار سنتی است. مورخان و مقتل نویسندگان در این فضا به گزارش‌هایی از واقعه عاشورا عطف توجه می‌کنند که با محور قراردادن بُعد حماسی در تلاش برای سرایت این نگرش در میان جامعه است.

پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه، به‌ویژه با آغاز عصر ناصری، مورخان توجه چندانی به دلایل قیام امام حسین (ع)، نتایج و آثار قیام عاشورا ندارند، بلکه بیشترین اهتمامشان بیان مسئله ابتلا و نوعی اجبار در شهادت و حرکت در این مسیر با استفاده از بیانی فوق‌العاده عاطفی و احساسی است که رکن اصلی آن غم و اندوه است. البته باید توجه داشت که این نگرش که شهادت امام (ع) موضوعی متعین بوده همیشه با شدت و ضعف در میان نویسندگان دوره‌های مختلف وجود داشته است. در این دوره، مورخان در روایت‌هایشان به منابع در خور اعتماد اکتفا نکرده‌اند و به تدوین اثری با بن‌مایه عاطفی توجه داشته‌اند که مسئله اصلی‌اش بیان ابعاد حزن‌انگیز و غمبار درباره این حادثه است، با این هدف که مخاطبان در مجالس روضه‌خوانی و سوگواری، هر چه بیشتر تحت تأثیر قرار گیرند، اشک بریزند و متألم شوند، هرچند به قیمت نادیده‌گرفتن اخبار معتبر یا دروغ‌پردازی درباره این واقعه باشد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۵۴/۱-۵۵؛ جعفریان، ۱۳۷۹: ۸۷۸/۲؛ لسان‌الملک سپهر، ۱۳۶۳: ۳۷۸/۱-۳۷۹).

توجه به ظاهر و نمایش ثروت در روند برگزاری مراسم عزاداری در این دوره رخ نموده و در گزارش مورخان منعکس شده است. به‌مرور و با تلاش علما و اندیشمندان مسلمان در رواج اندیشه‌های عقلانی، و حضور اندیشه‌های جدید افراد تحصیل‌کرده در غرب در صحنه اجتماع، رویکرد مورخان نیز از نگاه احساسی و تسلیم‌بودن فاصله گرفت و نگرش عقلایی وارد عرصه نگارش وقایع عاشورا شد (مستوفی، ۱۳۸۶: ۴۰۶/۱).

نتیجه

مورخان، در دوره‌ای که به انگیزه‌های معنوی و روحیه شهادت‌طلبی نیاز بود، به رویکرد حماسی و قهرمانانه درباره وقایع عاشورا توجه کردند. از جمله دیگر دلایل مؤثر در

کثرت گزارش‌ها با رویکرد حماسی، باورپذیر شدن گزارش‌های احساسی است تا از این رهگذر خوانندگان را تشجیع کنند و در نهایت در موقعیت مناسب از آنها بهره لازم را ببرند.

از سوی دیگر، اصلی‌ترین رویکرد مورخان در دوره قاجار رویکرد عاطفی است. حجم بسیاری از گزارش‌های مورخان به پُررنگ کردن نقش عواطف و احساسات در تأثیرگذاری وقایع عاشورا اختصاص دارد. آنچه در گزارش‌های مورخان و مقتل‌نویسان به آن توجه شده، عنصر مظلومیت امام و اصحاب ایشان است، که علاوه بر مسئله تشنگی، به منظور برانگیختن احساسات مخاطب، بسیار به آن توجه کرده‌اند.

دسته سوم رویکردهای مورخان تحت تأثیر اندیشه جبرگرایی است. ایشان شهادت امام حسین (ع) را عمل به وظیفه تعیین‌شده از جانب خدا می‌دانند. این رویکرد در گزارش‌هایی که نمود احساس و عاطفه در آن بیشتر است، بسیار در خور توجه است. از سویی، این رویکرد مورخان نمایانگر بی‌توجهی به دلیل‌ها و عواملی است که سبب بروز این واقعه شده است. همچنین، مؤید رواج این اندیشه در دوره قاجار است که خواست خداوند بوده و اگر او بخواهد اوضاع و احوال تغییر خواهد کرد، و در نهایت سبب شد تقابلی میان مردم و حاکمیت به وجود نیاید.

رویکرد دیگر، بر مبنای گزارش‌های مورخان از مجالس عزاداری در دوره قاجار، این است که این محفل‌ها بیش از آنکه محلی برای تنبه و ارشاد مردم باشد، به مسابقه تجمل‌گرایی و خودنمایی تبدیل شده بود؛ فضای حاکم بر جامعه آن روز، نگاهی سرشار از توجه به ظاهر، بدون تعمق و فکر، و مملو از توجه به نظم و ترتیب و شکوه ظاهری است. عزاداری عاشورا در این دوره پوسته‌ای تهی از مغز شده بود که نتیجه‌اش انفعال و سکون در میان اجتماع است.

پی‌نوشت‌ها

۱. کتاب *تاریخ ذوالقرنین* وی، ادامه تاریخ *مآثر سلطانیه*، نوشته دنبلی، و در بسیاری از گزارش‌ها دنباله‌رو سبک آن است.
۲. «حضرت امام مانند حیدر کرار حمله همی آورد و دشمن همی انداخت. هر کس فر روی امام آمد به ضرب تیغ آتش‌بار به دار البوار فرستادی» (معتمدالدوله، ۱۳۷۷: ۴۵۸/۲).
۳. «در مصیبت وقایع کربلا که گویند تاکنون مانندش را کسی ننوشته است و در تصحیح اخبار و تشریح امکنه و منازل ایاب و ذهاب اهل بیت و اسماء شهداء (ع) و مخالفین، نهایت دقت را به خرج داده است» (معتمدالدوله، ۱۳۷۷: ۴/۱).
۴. در بخش رویکرد احساسی به نمونه‌هایی از آن اشاره شد.
۵. «الموت خیر من رکوب العار» (شوشتری، ۱۳۸۱: ۱۲۵).
۶. در زمان سلطنت محمدشاه قاجار به تهران احضار، و مستوفی دیوان و از مقربان شاه شد. در سال ۱۲۵۸ ه.ق. به دستور محمدشاه و به تشویق حاج میرزا آقاسی مأمور نگارش *تاریخ قاجاریه* شد. وی دو مجلد اول از کتاب اول را نگاشت و سپس در زمان ناصرالدین شاه به دستور او و تحت توجهات صدراعظم وقت، میرزا آقاخان نوری، وقایع عصر ناصری را به آن افزود. در ازای این خدمت به «لسان‌الملک» ملقب شد.
۷. داستان از اساس ساختگی است.
۸. «لأجل نجات العاصین من محبّی اهل بیت العصمة عن النار».
۹. «ان الله اراد ان یراک قتیلاً» (مجلسی، بی‌تا: ۳۶۴/۴۴).
۱۰. *خصائص الحسینیة* مقدمه‌ای دارد که در آن نویسنده از انگیزه‌اش در تألیف این اثر سخن گفته است: «با دقت در وسایل الاهی دیدم وسایلی که متعلق به حضرت سیدالشهداء (ع) است بیشتر و آسان‌تر است. در این باب آن جناب را خصوصیتی است که در باقی وسایل نیست. همه ایشان پناه خلقت‌اند لکن پناه آن جناب آسان‌تر و دایره او وسیع‌تر است». وی در ادامه نکته‌ای می‌گوید که روشن می‌کند منشأ کتاب مکاشفه است؛ «با خود گفتم: تا کی می‌بایستی کتاب در دست بگیرم و از روی آن صحبت کنم و نتوانسته باشم از حفظ منبر بروم. باید اندیشه‌ای بنمایم و خود را از این مخمصه نجات دهم. هر چه در این باره فکر کردم به جایی نرسیدم و راه چاره‌ای ندیدم و در اثر فکرکردن، خستگی سرتاسر وجودم را فرا گرفت. در این حال، از شدت نگرانی به خواب رفتم و در عالم رؤیا دیدم که در زمین کربلا هستم، آن هم درست در موقعی که موکب حسینی (ع) آنجا نزول اجلال کرده. چشمم افتاد به خیمه‌ای که برافراشته بود». با مراجعه به منابع معتبر مشخص می‌شود کتاب *خصائص الحسینیة* بیشتر خواننده را از نظر عاطفی تحت تأثیر قرار می‌دهد تا اینکه ذهن و فکرش را درگیر کند.

منابع

اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۰). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، به اهتمام: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح: محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ج ۱-۳.

بل، گرترود (۱۳۶۳). *تصویرهایی از ایران*، ترجمه: بزرگ‌مهر ریاحی، تهران: خوارزمی.

بینشی‌فر، فاطمه (۱۳۹۴). «سیر تحول روضه و روضه‌خوانی دوره قاجار»، در: *تاریخ‌نامه خوارزمی*، ش ۱۰، ص ۴۷-۷۲.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). *ایران و ایرانیان*، ترجمه: کی‌کوس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
جعفریان، رسول (۱۳۷۹). *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج ۲.

جهانگیر میرزا (۱۳۲۷). *تاریخ نو*، به اهتمام: عباس اقبال، تهران: علمی.

خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح: ناصر افشارفر، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱-۳.

دربندی شیروانی، ملاآقا (۱۳۸۸). *مقتل دربندی: سعادت ناصریه*، ویراستار: علیرضا لک، تهران: آرام‌دل.
دربندی شیروانی، ملاآقا (۱۳۹۴). *جواهر الایمان و سرمایه ایمان: در مقتل سیدالشهداء علیه السلام*، تصحیح و تحقیق: محمد قربان‌پور دلاور، قم: طوبای محبت، چاپ اول.
دربندی شیروانی، ملاآقا (بی‌تا). *اسرار الشهادة*، تهران: منشورات الاعلی.

دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۸۳). *مآثر سلطانیه*، تصحیح: غلام‌حسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.

دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی*، تهران: عطار، ج ۱.

رمضان‌نرگسی، رضا (۱۳۸۵). «عزاداری در عصر قاجار»، در: *تاریخ اسلام در آیین پژوهش*، ش ۹، ص ۵۳-۹۰.

رنجبر، محسن (۱۳۸۸). «جریان‌شناسی تاریخی رویکرد و قرائت حماسی اسطوره‌ای از واقعه عاشورا از صفویه تا مشروطه»، در: *تاریخ اسلام در آیین پژوهش*، ش ۲۳، ص ۱۵۳-۱۸۰.

شوشتری، جعفر (۱۳۸۱). *خصائص الحسینیة: اشک روان بر امیر کاروان*، ترجمه: سید محمدحسین شهرستانی، تحقیق: مؤسسه علوم آل‌محمد، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب (جزایری)، چاپ نهم.

شهرستانی، سید صالح (۱۳۸۲). اشکواره کربلا: تاریخ النیاحه علی الامام الشهید الحسین بن علی علیه السلام، قم: قیام.

شیخ‌رضایی، انسیه؛ آذری، شهلا (۱۳۷۷). گزارش‌های نظامیه از محلات تهران، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ج ۱.

فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲). فارس‌نامه ناصری، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ج ۱.
فووریه، جیمز (۱۳۲۶). سه سال در دربار ایران، ترجمه: عباس اقبال، تهران: کتابخانه علی‌اکبر علمی و شرکا.

کورف، بارون فئودور (۱۳۷۲). سفرنامه، ترجمه: اسکندر ذبیحان، تهران: فکر روز.
بنجامن، ساموئل گرین ویلز (۱۳۶۳). ایران و ایرانیان، ترجمه: محمدحسین کردیچه، تهران: جاویدان.
لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۶۳). ناسخ التواریخ در احوالات حضرت سیدالشهداء (ع)، تهران: اسلامیة، چاپ دوم، ج ۲-۳.

مجلسی، محمد باقر (بی‌تا). بحار الانوار، بیروت: بی‌نا، ج ۴۴.
مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوران قاجار، تهران: هرمس، ج ۱.
معمدالدوله، فرهاد میرزا (۱۳۷۷). قمع‌خار و صمصام تبار، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة، ج ۱.
مفتخری، حسین؛ رنجبر، محسن (۱۳۸۷). «رویکرد احساسی عاطفی به واقعه عاشورا در ایران: از صفویه تا مشروطه»، در: شیعه‌شناسی، ش ۲۴، ص ۱۶۹-۲۱۲.

میرزاحسین خان (۱۳۸۲). خاطرات دیوان بیگی: میرزا حسین خان، به کوشش: ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: اساطیر.

ناصرالدین‌شاه (۱۳۷۸). یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه، به کوشش: پرویز بدیعی، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی.

وقایع اتفاقیه (۶ محرم ۱۲۷۷ ه.ق.). نمره ۴۶۹.

ویشارد، جان (۱۳۶۳). بیست سال در ایران، ترجمه: علی پیرنیا، تهران: مؤسسه انتشارات نوین.

هدایت، مهدی قلی‌خان (۱۳۴۴). خاطرات و خطرات، تهران: زوار، چاپ دوم.

References

- I‘timad al-Saltana, Muhammad Hasan. 1971 (1350 SH). *Ruznami-yi Khatirat-i I‘timad al-Saltana* [I‘timad al-Saltana’s Diaries]. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- I‘timad al-Saltana, Muhammad Hasan. 1988 (1367 SH). *Tarikh-i Muntazam-i Nasiri* [Nasiri Organized History]. Edited by Muhammad Isma‘il Ridwani. Tehran: Dunya-yi Kitab. Volumes 1-3. [In Persian]
- Bell, Gertrude. 1984 (1363 SH). *Tasvir-ha-yi az Iran* [Photos from Iran]. Translated by Buzurgmihr Riyahi. Tehran: Khwarazmi. [In Persian]
- Binishifar, Fatimih. 2015 (1394 SH). “Sayr-i Tahavvul-i Rowzih va Rowzi-khani-yi Dowri-yi Qajar” [The Development of Rawda and Rawda-khani in Qajar Period]. In *Tarikhnam-i Khwarazmi* [Khwarazmi Book of History], no. 10: 47-72. [In Persian]
- Polak, Jakob Eduard. 1982 (1361 SH). *Iran va Iraniyan* [Persia and the Persians]. Translated by Kaykavus Jahandari. Tehran: Khwarazmi. [In Persian]
- Ja‘fariyan, Rasul. 2000 (1379 SH). *Safaviyih dar ‘Arsi-yi Din, Farhang va Siyasat* [Safavids in Religion, Culture, and Politics]. Qom: Publications of Research Institute of Hawzeh and University. Vol. 2. [In Persian]
- Jahangir Mirza. 1948 (1327 SH). *Tarikh-i Now* [The Modern History]. Edited by ‘Abbas Iqbal. Tehran: ‘Ilmi. [In Persian]
- Khavari Shirazi, Mirza Fazl Allah. 2001 (1380 SH). *Tarikh Dhu-l-Qarnayn* [History of the Possessor of the Two Horns]. Edited by Nasir Afsharfard. Tehran: Printing and Publishing Organization of Ministry of Culture and Islamic Guidance. Volumes 1-3. [In Persian]
- Darbandi Shirvani, Mulla Aqa. 2009 (1388 SH). *Maqal-i Darbandi: Sa‘adat-i Nasiriyyih* [Darbandi’s Story of Husayn’s Murder: Nasiri Happiness]. Edited by ‘Aliriza Lak. Tehran: Aram Dil. [In Persian]
- Darbandi Shirvani, Mulla Aqa. 2015 (1394 SH). *Jawahir al-Iqan wa Sarmayi-yi Iman: dar Maqal-i Sayyid al-Shuhada’ ‘alayh al-Salam* [Jewelry of Certainty and Capital of Faith: the Story of the Murder of the Master of the Martyrs Peace be upon Him]. Edited by Muhammad Qurbanpur Dilavar. Qom: Tuba-yi Muhabbat. First edition. [In Persian]
- Darbandi Shirvani, Mulla Aqa. N.d. *Asrar al-Shahada* [Secrets of Martyrdom]. Tehran: Manshurat al-A‘la. [In Arabic]
- Dunbuli, ‘Abd al-Razzaq Bayk. 2004 (1383 SH). *Ma‘athir Sultaniyya* [The Monarchical Heritage]. Edited by Ghulam Husayn Zargarinzhad. Tehran: Publication Institute of Iran Newspaper. [In Persian]

- Dowlatabadi, Yahya. 1992 (1371 SH). *Hayat-i Yahya* [Yahya's Life]. Tehran: 'Attar. Vol. 1. [In English]
- Ramazan Nargisi, Riza. 2006 (1385 SH). "'Azadari dar 'Asr-i Qajar" [Mourning in Qajar Period]. In *Tarikh-i Islam dar Ayini-yi Pazhuhish* [History of Islam in the Mirror of Research], no. 9: 53-90. [In Persian]
- Ranjbar, Muhsin. 2009 (1388 SH). "Jaryanshinasi-yi Tarikhi-yi Ruykard va Qira'at-i Hamasi-Usturi-'i az Vaqi'-i-yi 'Ashura az Safaviyih ta Mashrutih" [A Historical Study of the Epic-Mythical Approach and Reading of the Event of Ashura from the Safavid Era to the Constitutional Movement]. In *Tarikh-i Islam dar Ayini-yi Pazhuhish* [History of Islam in the Mirror of Research], no. 23: 153-180. [In Persian]
- Shushtari, Ja'far. 2002 (1381 SH). *Khasa'is al-Husayniyya: Ashk-i Ravan bar Amir-i Karavan* [Husayni Characteristics: Falling Tears for the Caravan's Head]. Translated by Sayyid Muhammad Husayn Shahrastani. Edited by Mu'assisi-yi 'Ulum-i Al-i Muhammad. Qom: Dar al-Kitab (Jazayiri) Press Institute. Ninth edition. [In Persian]
- Shahrastani, Sayyid Salih. 2003 (1382 SH). *Ashkvari-yi Karbala: Tarikh al-Niyaha 'ala-l-Imam al-Shahid al-Husayn ibn 'Ali 'alayh al-Salam* [Society of Tears for Karbala: History of Lamentation for the Martyred Imam al-Husayn ibn 'Ali Peace be upon Him]. Qom: Qiyam. [In Persian]
- Shaykhriza'i, Insiyih; Azari, Shahla. 1998 (1377 SH). *Guzarish-ha-yi Nazmiyyih az Mahallat-i Tehran* [Police Reports from Neighborhoods of Tehran]. Tehran: Publications of National Library and Archives of Iran. vol. 1. [In Persian]
- Fasa'i, Hasan ibn Hasan. 2003 (1382 SH). *Farsnami-yi Nasiri* [Nasiri Book of Fars]. Tehran: Amir Kabir. Third edition. Vol. 1. [In Persian]
- Fauvriar, Joannes. 1947 (1326 SH). *Sih Sal dar Darbar-i Iran* [Three Years in the Persian Royal Court]. Translated by 'Abbas Iqbal. Tehran: Library of 'Ali Akbar 'Ilmi and Company. [In Persian]
- Korf, Fefor Fedorovich. 1993 (1372 SH). *Safarnamih* [The Traveler's Writing]. Translated by Iskandar Zabihan. Tehran: Fikr-i Ruz. [In Persian]
- Benjamin, Samuel Green Wheeler. 1984 (1363 SH). *Iran va Iraniyan* [Persia and the Persians]. Translated by Muhammad Husayn Kurdbachih. Tehran: Javidan. [In Persian]
- Lisan al-Mulk Sipih, Muhammad Taqi. 1984 (1363 SH). *Nasikh al-Tavarikh dar Ahvalat-i Hazrat-i Sayyid al-Shuhada'* [Abrogator of Histories in Biography of His Excellency the Master of the Martyrs]. Tehran: Islamiyya. Second edition. Volumes 2-3. [In Persian]

- Majlisi, Muhammad Baqir. N.d. *Bihar al-Anwar* [Sea of the Lights]. vol. 44. Beirut: n.p. [In Arabic]
- Mustowfi, ‘Abd Allah. 2007 (1386 SH). *Sharh-i Zindigani-yi Man: Tarikh-i Ijtima‘i va Idari-yi Dowran-i Qajar* [My Biography: the Social and Administrative History of the Qajar Period]. Vol. 1. Tehran: Hirmis. [In Persian]
- Mu‘tamad al-Dawla, Farhad Mirza. 1998 (1377 SH). *Qamqam-i Zakhkhar va Samsam-i Tabbar* [The Full-Fledged Master and Destructive Sword]. Vol. 1. Tehran: Islamiyya Bookstore. [In Persian]
- Muftakhari, Husayn; Ranjbar, Muhsin. 2008 (1387 SH). “Ruykard-i Ihsasi-‘Atifi bih Vaqi‘i-yi ‘Ashura dar Iran: az Safaviyih ta Mashrutih” [The Emotional-Sensational Approach to the Event of Ashura in Iran: from the Safavid Era to the Constitutional Movement]. In *Shi‘i-Shinasi* [Shiite Studies], no. 24: 169-212. [In Persian]
- Nasir al-Din Shah. 1999 (1378 SH). *Yaddasht-ha-yi Ruzani-yi Nasir al-Din Shah* [Diaries of Nasir al-Din Shah]. Edited by Parviz Badi‘i. Tehran: Publications of National Library and Archives of Iran. [In Persian]
- Vaqa‘i‘ Ittifaqiyyih* (July 25, 1860). No. 469. [In Persian]
- Wishard, John. 1984 (1363 SH). *Bist Sal dar Iran* [Twenty Years in Persia]. Translated by ‘Ali Pirniya. Tehran: Novin Publication Institute. [In Persian]
- Hidayat, Mahdi Quli Khan. 1965 (1344 SH). *Khatirat va Khatarat* [Memories and Jeopardies]. Tehran: Zuvvar. Second edition. [In Persia]